



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

نعمت جنگ

توماس اشمیدینگر

ترجمه‌ی: کمال خسروی



اردیبهشت ۱۴۰۰

یادداشت مترجم: این متن کوتاه و رویکرد ژورنالیستی‌اش بی‌گمان بهترین و دقیق‌ترین واکاوی ریشه‌های کشتار رژیم اسرائیل در غزه و باصطلاح «جنگ» بین رژیم اسرائیل و حماس نیست. حتی اشاره‌ی بسیار کوتاه و سرودم بریده‌ی آن در پایان نوشتار، به نقش رژیم جمهوری اسلامی در این وضع تازه، دست‌کم به کاستی‌های چشمپوشی‌ناپذیری آغشته است. اما سه نکته می‌تواند انگیزه‌ای برای سودمندی ترجمه و انتشارش باشند. یکی: آشکارکردن پیشینه‌ی تاریخی محله‌ی «جراح» و دروغ‌های فریبکارانه‌ی رژیم اسرائیل که می‌کوشد انگیزه‌ی مشاجرات اخیر را به دعاوی «حقوقی» تقلیل دهد و از این طریق سیاست بیرون‌راندن فلسطینیان را از خانه و کاشانه‌شان توجیه کند؛ دوم: ردونشان‌هایی در رویدادهای روزهای اخیر که دستاویزی برای مذهبی‌کردن این مشاجرات و تقلیل آن‌ها به اشکال ایدئولوژیک دیگری است؛ و سوم سود سیاسی سه عامل یا گرایش سیاسی: نتان‌یاهو، حماس و اردوغان.

عنوان اصلی این نوشته «هدیه یا ارمغان جنگ» (Kriegsgeschenk) است. با نیم‌نگاهی به استقبال سرکردگان جمهوری اسلامی از جنگ ایران و عراق و «نعمت» نامیدنش، ترجمه‌ی آن به «نعمت جنگ» بنظرم آشناتر و گویاتر آمد. (ک.خ.)

محله‌ی شیخ جراح در شرق اورشلیم پیش از تقسیم این شهر در سال ۱۹۴۸ محله‌ای بود مخلوط از ساکنان عرب و یهود که نخست در میانه‌ی سده‌ی نوزدهم در حاشیه‌ی هسته‌ی قدیمی شهر شکل گرفت. در حالی که در این محله نخست عرب‌های مسلمان و مسیحی‌ای رحل اقامت افکنده بودند که در گذرهای تنگ و کوچک محله‌ی قدیمی اورشلیم فضایی برای سکنا نمی‌یافتند، سال‌ها بعد یهودیانی مهاجر به این محله آمدند و دور و بر مقبره‌ی سیمئون عادل (یا: شیمون عادل / Shimon Ha Tzadik) اقامت گزیدند. سیمئون عادل بنا بر روایت کسی بود که در دومین پادشاهی یهود، پس از بازگشت از اسارت در بابل، نقش سیاسی و مذهبی مهمی ایفا کرد و همین امر انگیزه‌ای بود برای گروهی از یهودیان ارتدکس که مقبره و زمین‌های اطرافش را بخرند و از سال ۱۸۷۵ به بعد در آن‌جا ساکن شوند. ساکنان راسته‌ی کوچک یهودیان در درون شهرک شیخ جراح عمدتاً یهودیان مهاجر اولیه‌ی یمنی بودند که پیش‌تر در سال‌های دهه‌ی ۱۸۸۰ به اورشلیم آمده بودند و از همان سال‌ها در زمره‌ی لایه‌های تهیدست‌تر مردم یشوو (Jischu/Yishuv)، همانا ساکنان یهودی فلسطین، به‌شمار می‌آمدند.

با جنگ استقلال اسرائیل در سال ۱۹۴۸ محله‌ی شیخ جراح به‌مثابه منطقه‌ای از اورشلیم شرقی تحت کنترل اردن قرار گرفت. در حین جنگ از هر دو سو، [پاک‌سازی] و تارومارکردن‌ها صورت گرفت. البته

ساکنان یهودی شیخ جراح و ساکنان برخی از مهاجرنشین‌های یهودی کوچکی که دور و برشان عرب‌ها زندگی می‌کردند، از سوی انگلیسی‌ها و برای حمایت از آن‌ها به خانه‌های دیگری منتقل شدند. مقامات اردنی که پس از فتح کرانه‌ی غربی با آوارگان فلسطینی بسیاری از مناطق تسخیرشده روبرو بودند و در عین حال می‌خواستند مانع بازگشت احتمالی یهودی‌ها به مناطق اینک اردنی‌شده بشوند، آوارگان فلسطینی از مناطق تسخیرشده‌ی اسرائیلی را در خانه‌های یهودی اسکان دادند و در ضمن حق مالکیت را هم به آن‌ها تفویض کردند.

... برخی آتش افروزان

زمانی که اسرائیل در سال ۱۹۶۷ اورشلیم شرقی و کرانه‌ی غربی را به تصرف درآورد، نخست این حقوق مالکیت اردنی دست‌نخورده باقی ماندند. البته کِنِست [پارلمان اسرائیل] قانونی تصویب کرد که به‌موجب آن یهودیانی که از سوی اردنی‌ها یا انگلیسی‌ها از خانه و املاک‌شان در کرانه‌ی غربی بیرون رانده شده بودند، می‌توانستند با اثبات این حقوق، اموال‌شان را پس بگیرند.

این قانون هرگز از سوی همه‌ی یهودیانی که علاقه‌ی اندکی به بازگشت به محیطی خصمانه داشتند، مورد استفاده قرار نگرفت. برعکس، در سال‌های اخیر، مکرراً مهاجران راست افراطی که اغلب‌شان حتی در اسرائیل بدنیایا نیامده بودند و بیشتر گذرنامه‌ی آمریکایی داشتند، این اسناد مالکیت را از ساکنان یهودی اولیه خریدند و سپس تلاش کردند با شکایت به دادگاه [و با استناد به آن قانون قدیمی] حق مالکیت‌شان را اعمال کنند. به‌همین دلیل در ویدئوهای اسرائیلی‌هایی که حالا مدعی تصرف خانه‌های باصطلاح «متعلق به خود» هستند، خبر و اثری از یهودی‌های یمنی نیست، بلکه فقط آمریکایی‌هایی مذهبی دیده می‌شوند که می‌خواهند با حمایت نهادهای مهاجرنشینان که دم و دستگاه مفصلی دارند، حق‌شان در برابر دادگاه را به کرسی بنشانند.

البته تعداد خانه‌هایی که در محله‌ی شیخ جراح مشمول این قانون «واگذاری» به صاحبان یهودی می‌شد، بسیار اندک بود. این اقدام، با توجه به سیاست [رژیم اسرائیل در راستای] تصرف افراطی کرانه‌ی غربی و اسکان مهاجرنشینان یهودی و سیاست «یهودی‌کردن» اورشلیم که از جانب همان نهادهای مهاجرنشینان و احزاب راست افراطی آشکارا تبلیغ می‌شد، از منظر اهالی فلسطینی این محله هم‌چون تهدید جدی هستی و نیستی‌شان دیده می‌شود.

در نتیجه، این که حکم تخلیه‌ی چهار خانه در این محله موجب بروز اعتراضات خواهد شد، امری کاملاً قابل پیش‌بینی بود. از سوی دیگر این که حضور و مداخله‌ی بی‌رویه‌ی پلیس اسرائیل در ماه رمضان در محوطه‌ی حرم‌الشریف، یا کوه معبد، درست مقابل مسجدالاقصی، آتش بر خرمن این اعتراضات خواهد گذاشت و دعوتی صریح به تأویل مذهبی این رویدادهاست، نباید موجب شگفتی کسی باشد. در وهله‌ی نخست، این اقدام وحشیانه‌ی پلیس اسرائیل در محوطه‌ی حرم‌الشریف بود که نهایتاً این امکان را به حماس داد، با تأویل اسلامی رویدادها خود را در رأس اعتراضات قرار دهد.

... و بسیاری بازنده

همه چیز حاکی از آن است که هم نتان‌یا هو نخست‌وزیر اسرائیل و هم حماس کاملاً آگاهانه و عامدانه خواهان ایجاد این شرایط حاد و اضطراری بودند. برای نتان‌یا هو که درگیر پرونده‌ی فساد است و اکثریتی هم در پارلمان ندارد، این جنگ نعمتی است که ناگهان او را به فرماندهی سپاه «اسرائیل به‌مخاطره‌افتاده» بدل می‌کند و احتمالاً موجب محبوبیت تازه‌ای برای او می‌شود. برای حماس که سال‌ها درگیر بحران مشروعیت است و به دلیل حضور جوانان شورش‌گر و مستقل غزه، با خطر مواجهه با رقیبی [توانمند] روبرو بود، امکانی پدید آمد تا با استفاده از موشک‌هایش خود را در خط مقدم «مقاومت» قرار دهد. هم‌چنین حماس می‌تواند در مقابل فتح نیز دوباره پیروزی‌هایی به‌دست آورد. عباس رئیس‌جمهور تشکیلات خودمختار فلسطین، در ماه آوریل انتخابات را که قرار بود بعد از سال ۲۰۰۶ بالاخره برگزار شود، به بهانه‌ی اختلاف با اسرائیل بر سر حوزه‌های انتخاباتی در اورشلیم شرقی، لغو کرده بود. اینک حماس نه از راه انتخابات، بلکه به‌خوبی از راه جنگ، قدرتمند می‌شود.

بازندگان این جنگ مردم عادی و غیرنظامیان در اسرائیل و در نوار غزه‌اند که مستأصل از حمله‌های هوایی اسرائیل و موشک‌های حماس، پناهی می‌جویند.

اما از این جنگ، ترکیه نیز که در بین دولت‌های سنی با بلندترین صدا و تندترین کلمات اظهار وجود می‌کند، بی‌نصیب نیست. پرزیدنت اردوغان که در اوضاع سیاسی داخلی به‌شدت تحت فشار است، می‌تواند در منطقه یک‌بار دیگر نقش رهبر و حامی مسلمانان سنی را بازی کند و از این طریق، هم در برابر رقبای ایرانی و عربستان سعودی‌اش گام‌هایی پیروزمندانه بردارد و هم موضوع اورشلیم را بازیچه‌ی سیاست داخلی قرار دهد. در شرایطی که عربستان سعودی و متحدان آن به‌دلیل نزدیکی‌های اخیر به اسرائیل قادر نیستند به‌نحو اعتمادبرانگیزی خود را به‌منزله‌ی مدافعان فلسطینی‌ها به‌نمایش بگذارند، حزب عدالت و توسعه ترکیه (آ. کا. پ) که از طریق اخوان‌المسلمین رابطه‌ی تنگاتنگی با حماس دارد، می‌تواند

از این موقعیت در سیاست داخلی و منطقه‌ای سود ببرد و قدرت متزلزلش را حفظ کند. این موقعیت برای ایران تاکنون سود چندانی نداشته است؛ البته رهبران ایران کوشیدند در حرف به ترکیه تأسی کنند، اما دست کم به دلیل اختلافات مذهبی بین ایران شیعی و اخوان المسلمین و حزب عدالت شدیداً سنی، در مقایسه با آنکارا، بعید است جای سود چندانی برای تهران وجود داشته باشد.

منبع:

<https://www.akweb.de/politik/sheikh-jarrah-konflikt-israel-palastina-raketen-/hamas-netanvahu-erdogan>